



از رشت تا تهران، از سپید رود تا پرسپولیس با **شایان مصلح**

مثل محمد انصاری، از پایه استقلال آمدیم تا به پرسپولیس رسیدیم

به پرواز فکر می‌کنم، لژیونر شدن را دوست دارم

متولد چهارم تیرماه ۱۳۷۲ است. می‌گوید: در رشت متولد شده‌ام، اما بچه رودبار هستم. محله پایین بازار رودبار. اکنون دانشجوی است. در رشته مهندسی صنایع تحصیل می‌کند و دانشجوی دانشگاه آزاد تهران شمال است.

صحبت از شایان مصلح است. او را شایان صدا می‌زنند، اما در شناسنامه نام علی برای او انتخاب شده است. نامش از تیم سپیدرود رشت بر سر زبان‌ها قرار گرفت. از سپیدرود به پرسپولیس نقل مکان کرد. سابقه بازی در تهران را دارد، چهار سال در تیمهای پایه استقلال توپ زده است. در دورانی که جلال بیات

سر مربی تیم امید استقلال بود، اما مجدداً به رشت رفت تا به پیراهن تیم سپیدرود رشت برسد. مدافع چپ پا با آن گامهای بلند و اندام کشیده‌اش. شایان مصلح در حال حاضر در تیم پرسپولیس تجربه جدیدی را دنبال می‌کند. اما شک نداشته باشید که او روزی به یک بزرگ در فوتبال کشورمان تبدیل خواهد شد. مداح اهل بیت است و از کودکی به مداحی عشق می‌ورزید. اکنون او در خدمت فوتبال قرار دارد، از این رو تمام وقت او صرف فوتبال می‌شود. گرچه از مداحی غافل نیست. اشعارش را در اختیار دیگران قرار می‌دهد تا از عشق خود که همان مداحی اهل بیت است فاصله نگیرد.

* همه شایان مصلح را از سپیدرود رشت به یاد دارند، چه شد به پرسپولیس آمدید؟

– لازم است قبل از پرداختن به سوال شما به نکته‌ای اشاره داشته باشم. بنده تجربه بازی در تیمهای تهرانی را دارم. در تیمهای پایه استقلال جوانان و امید بازی کردم. اما زمانی که شرایط سنی ما به مرحله‌ای راه یافت که دیگر نمی‌توانیم در تیمهای پایه بازی کنیم، مسایلی پیش آمد که مجبور به جدایی از تیمهای پایه استقلال شدیم. آن زمان استقلالی‌ها به جوانترها توجه نداشتند و من که شمالی هستم به رشت بازگشتم. ابتدا در تیم داماش و سپس به سپیدرود پیوستم. در تیم سپیدرود ابتدا شانس کمی برای بازی داشتم حتی به روی سکوها نیز انتقال یافتیم. اما یک روز دفاع چپ تیم سپیدرود مصدوم شد و فرصت برا من مهیا گردید از آن به بعد دیگر از ترکیب ثابت تیم خارج نشدم، هر روز بهتر از روز قبل دیده شدم. نگاه به من فراگیر شد و پرسپولیس‌ها نیز از رصد کردن من غافل نبودند.

* وقتی پیش‌نهاد پرسپولیس مطرح شد، من زود تصمیم نگرفتم، به مشورت پرداختم. پس از کلی ارزیابی، نهایتاً جواب مثبت دادم. اصولاً بنده انسان صبوری هستم. صبر ایوب که می‌گویند کاملاً در مورد من به میزان زیادی مصداق دارد. برای اقدام به هر کاری حتماً باید مطالعه انجام داد. پیوند خوردن من به پرسپولیس با مطالعه صورت گرفته است، می‌دانم که این مهم در نزد پرسپولیس‌ها وجود داشته و آنها هم با مطالعه سراغ من آمده‌اند.

* اما در پرسپولیس هنوز شانس بازی زیاد

پیدا نکرده‌اید؟

– درست می‌گوئید اما پشیمان نیستم. قرار نیست هر کس از گرد راه رسید بلافاصله یار ثابت تیم باشد. بازی در هر تیمی نیاز به تجربه دارد. فعلاً نیمکت‌نشینی را در پرسپولیس تجربه می‌کنم. گرچه در چند نوبت همراه این تیم به میدان رفته‌ام. اشاره به صبر ایوب نیز داشتم. آنقدر صبر می‌کنم تا نوبت من فرا برسد.

* شاید در این رهگذر شرایط سنی رو به افزایش گذاشته و آنگاه به ضرر شما تمام شود.

– به این چیزها اعتقاد ندارم. بلکه اعتقاد به نگاه و نظر مربی را بر هر چیز مقدم می‌دانم. برانکو کسی نیست که تحت تاثیر احساسات قرار بگیرد. او را یک انسان عادل و باشعور می‌دانم. غیرممکن است بازیکنی خوب باشد و برانکو چشمپوشی را بر روی او ببندد. در غیر اینصورت مشخص است که شناخت از برانکو وجود ندارد.

* در جناح چپ بازیکنی چون محمد انصاری وجود دارد که برانکو از او بی تفاوت نمی‌گذرد. چگونه می‌توانید از انصاری عبور کنید؟

– تا فراموش نکرده‌ام به نکته‌ای اشاره کنم، در آن روزهای جوانی که در تیمهای پایه استقلال توپ می‌زدیم یک رفیق و یک دوست خوب در کنارم قرار داشت به نام محمد انصاری. انصاری تیم پرسپولیس همان دوست و انصاری دوران جوانی من است. من و انصاری از جوانی با هم دوست و رفیق بودیم. مسیر فوتبالی ما به یک شکل طی شد. چرخ روزگار چرخید تا اکنون بار دیگر به هم رسیدیم. دوستی دوران جوانی همچنان پابرجاست. حتی در اردوها و مسافرتها هم اتاقی هستیم. بین ما رفاقت وجود دارد، نه حسادت و رقابت. البته هر دو تلاش داریم که براساس پشتکار در بهترین شرایط قرار بگیریم. اما اینکه من از او عبور کنم و یا او مرا کنار بزند در ذهن هیچیک از ما وجود ندارد.

* اگر فرصت بازی به شما نرسد، آنگاه چه فکری خواهید کرد؟

– پرسپولیس را دوست دارم. چه بازی کنم چه بازی نکنم. اینجا پرسپولیس است. باید تابع دستورات شد. من هم یک بازیکن حرفه‌ای هستم باید هر آنچه که آنها می‌گویند اجرا کنم. پرسپولیس را هرگز ترک نخواهم کرد. پرسپولیس فروختنی نیست که بخواهیم آن را به سادگی دست به دست کنیم. اما اگر روزی قصد جدایی داشته باشم، در یک صورت بین من و پرسپولیس جدایی ایجاد خواهد شد و آن هم لژیونر شدن است. تازه لژیونر شدنم هم با نظر باشگاه انجام خواهد شد. فعلاً که خبری از این مسایل نیست.

* گویا با علیرضا جهانبخش که او هم شمالی است رفاقت دارید؟

– بله، او هم رودباری است. همشهری‌ام به حساب می‌آید. علیرضا هم با بردباری و صبر و شکیبایی مدارج ترقی را گام به گام طی کرد. اکنون هم در اروپا و هم در تیم ملی بازیکنی موفق به شمار می‌آید. اصولاً صبر و شکیبایی رمز موفقیت تلقی می‌شود. می‌خواهم مسیری را که جهانبخش طی کرد طی کنم.

* حضورت در پرسپولیس با بازیهای آسیایی این تیم در لیگ آسیا مقارن شد، چه فکری برای آن دارید؟

– از اینکه این اتفاق صورت گرفت خوشحالم. حضور پرسپولیس در لیگ آسیا، اعتبار دوچندانی به این بازیها بخشیده است. به هر حال این هم یک آزمون است که هم برای پرسپولیس به شمار می‌آید و هم برای من تازه وارد این تیم.

* به هر حال هر جوانی برای خودش آرزو دارد، آرزوی شما چیست؟

– بزرگترین آرزوی یک ورزشکار راهیابی به تیم ملی و پوشیدن پیراهن تیم ملی است. بنده هم در جستجوی این آرزوی بزرگ هستم. البته ناگفته نپیاداست که این هدف ساده به دست نخواهد آمد. باید کار کرد. باید تلاش داشت. بنده هم به پرواز فکر می‌کنم. می‌خواهم به پیراهن تیم ملی نیز برسیم. در این هنگام لژیونر شدن راحت‌تر صورت خواهد گرفت. آنقدر تلاش خواهیم کرد تا آرزوهایم تحقق یابد.

